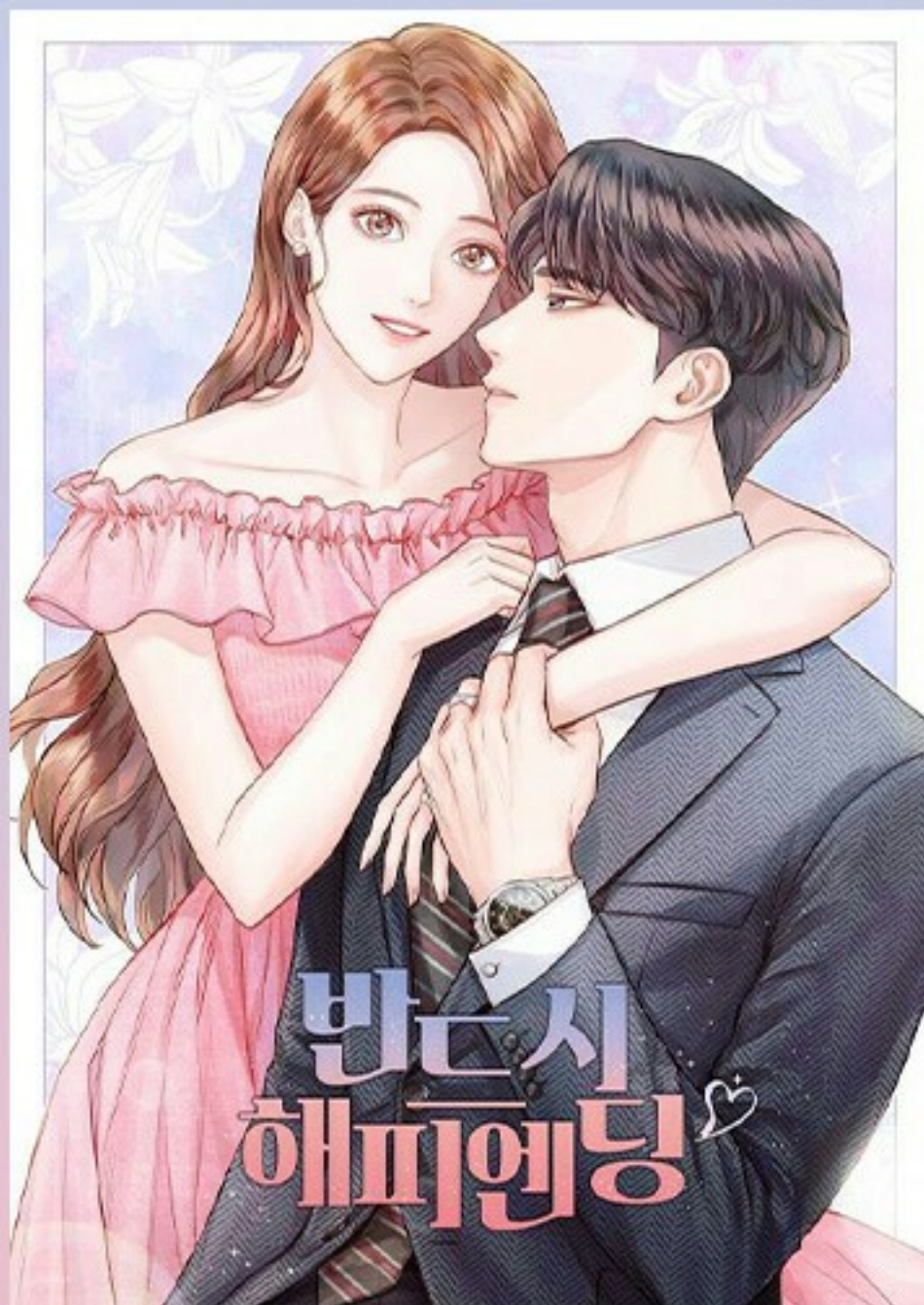




IRISEKAI



T.me/IriSekai



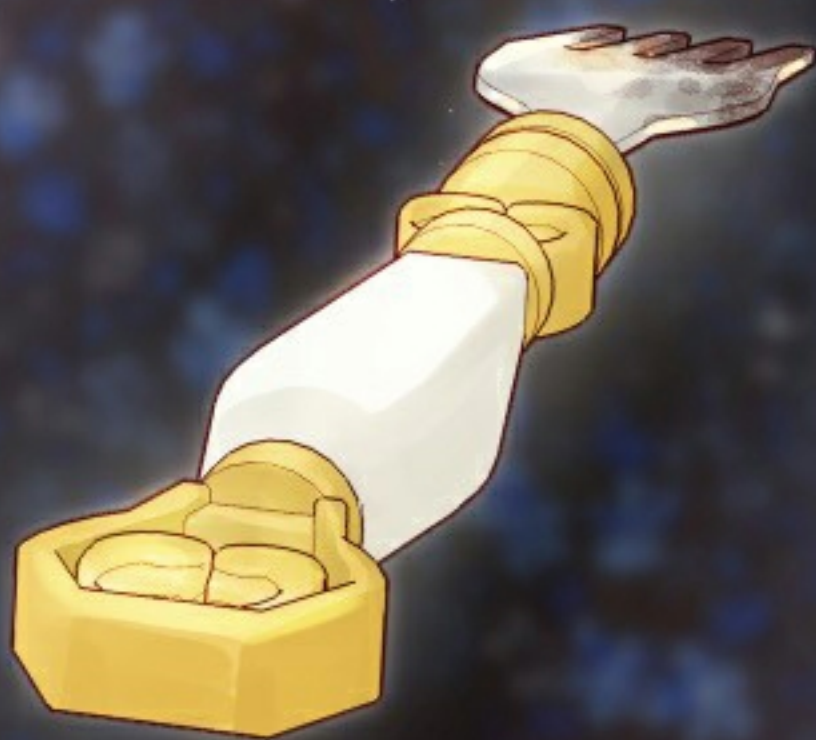
instagram.com/IrisSekai

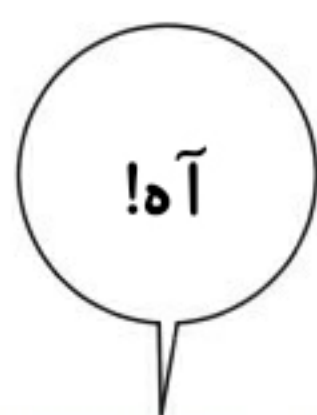
vera : مترجم

hell : کلینر

Ayzava : تایپیست

همه چیز دقیقاً همونجور که
در گذشته اتفاق افتاده بود،
داره پیش میره .





اگه جریان رو عوض کنم . . .



اگہ یہ تممیم دیگہ بگیرم . . .

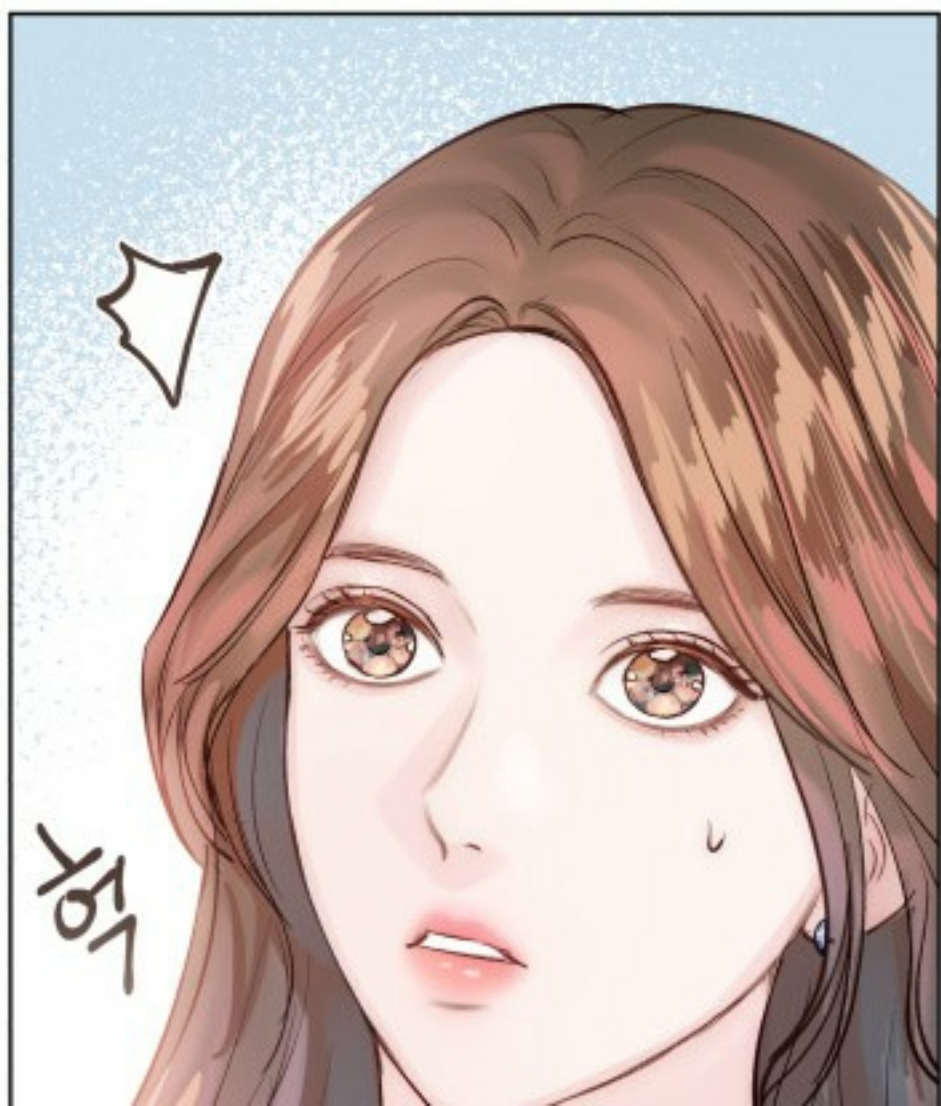
آیا میتونم آینده تو رو عوض کنم؟

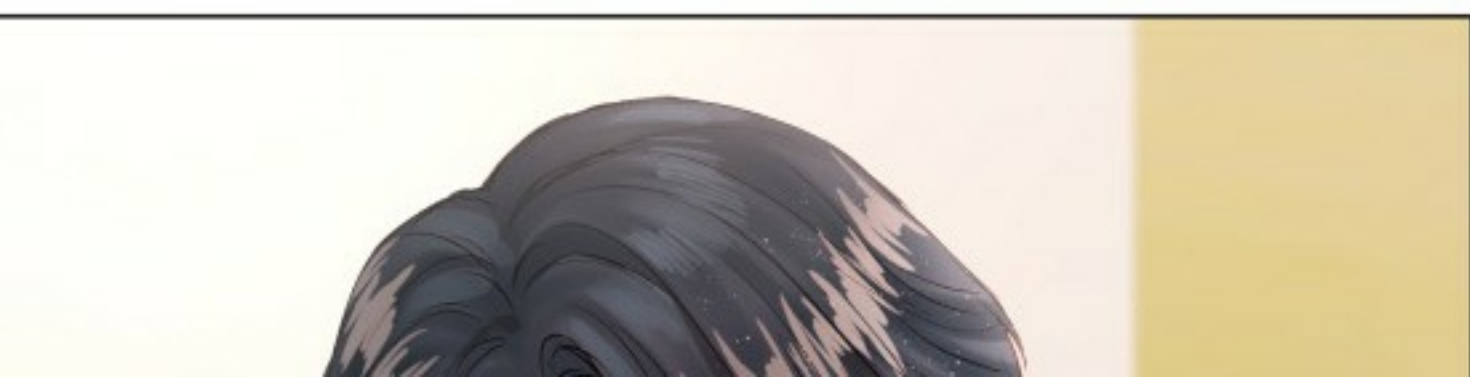


완전 해피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플아다







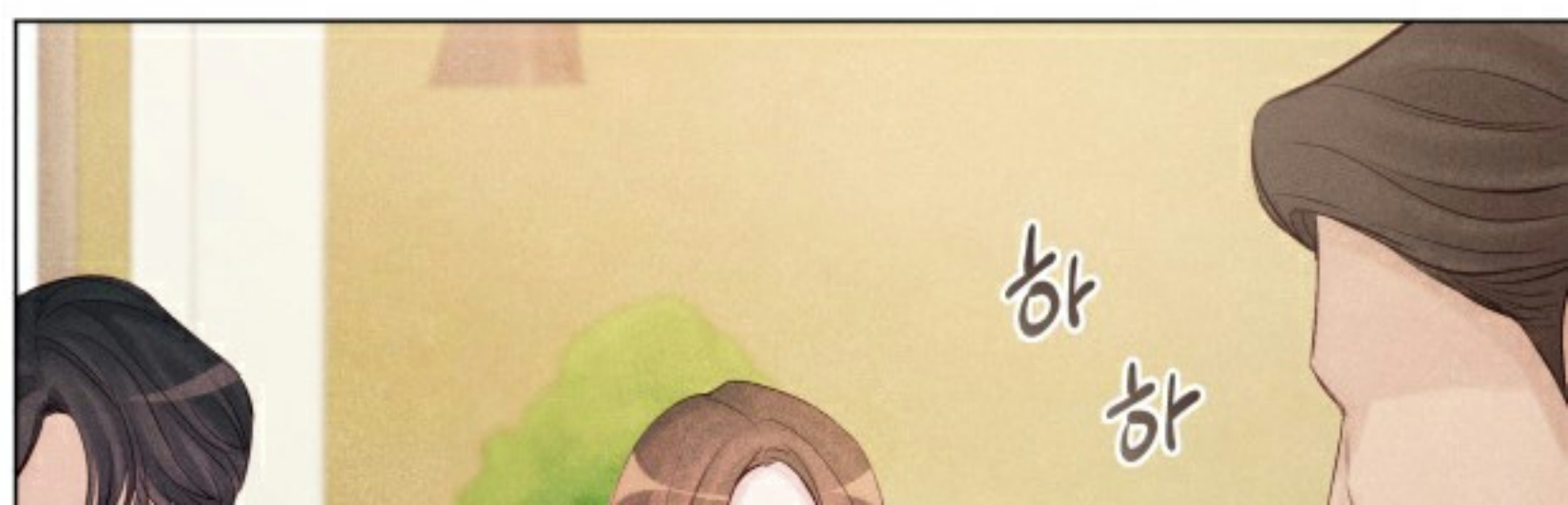


خودتونم می‌گید
دو سال.

ما تازه عروس
و دو ما داریم.

واقعیتش به
بچه دار شدن فکر
نمی‌کنیم.

از الان دست به کار بشین
دیگه سندرم هفت ساله
نمی‌گیرین!



하
하

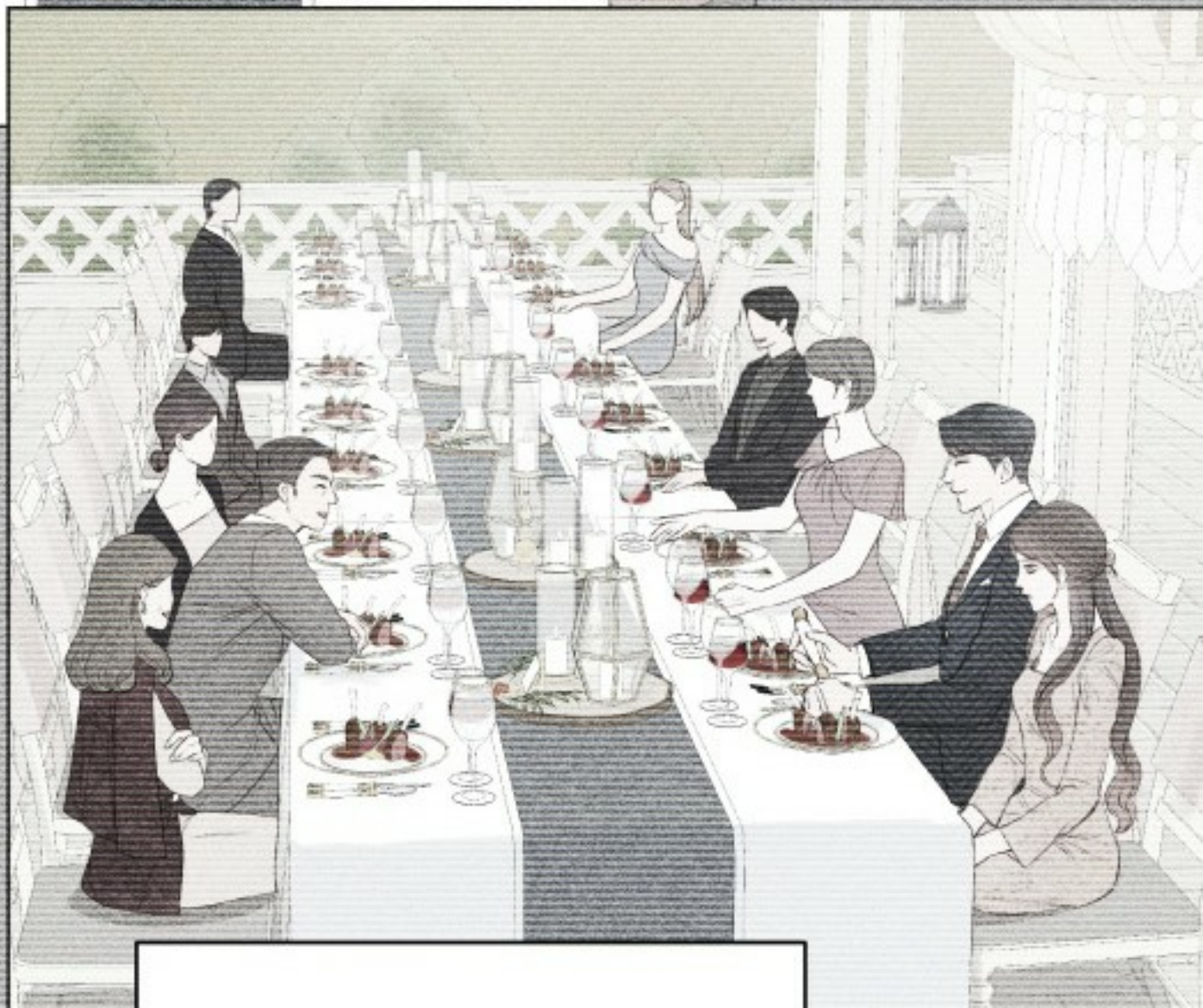


سندرم هفت ساله
چیه دیگه؟

کانگ سون جه رذل،
الکی ادا در نیار که انگار
نمی دونی چیه.



.....



دقیقا همون گفت و گو.



خاله، یون وو فقط
۲۵ سالشه.



حتی نحوه دست رو
شونه گذاشتنش
همونطوره.

و هنوز قصد
ادامه تحصیل
داره.

راستی چه رشته ای
می خوند؟

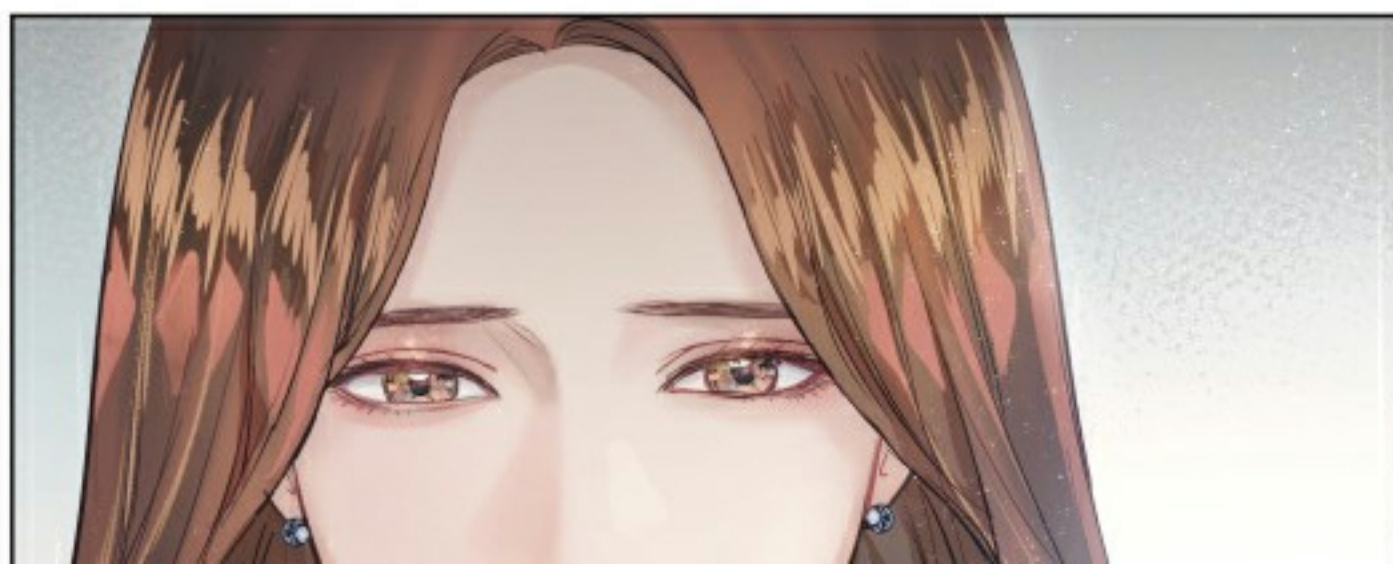
تاریخ هنر
باستان شناسی.



تاریخ هنر... باستان
شناسی؟ تو این رشته
چه کار شاقی میکنی
حالا؟



مگه فقط بیل
نمی زنن و سنگ جمع
نمی کنن؟





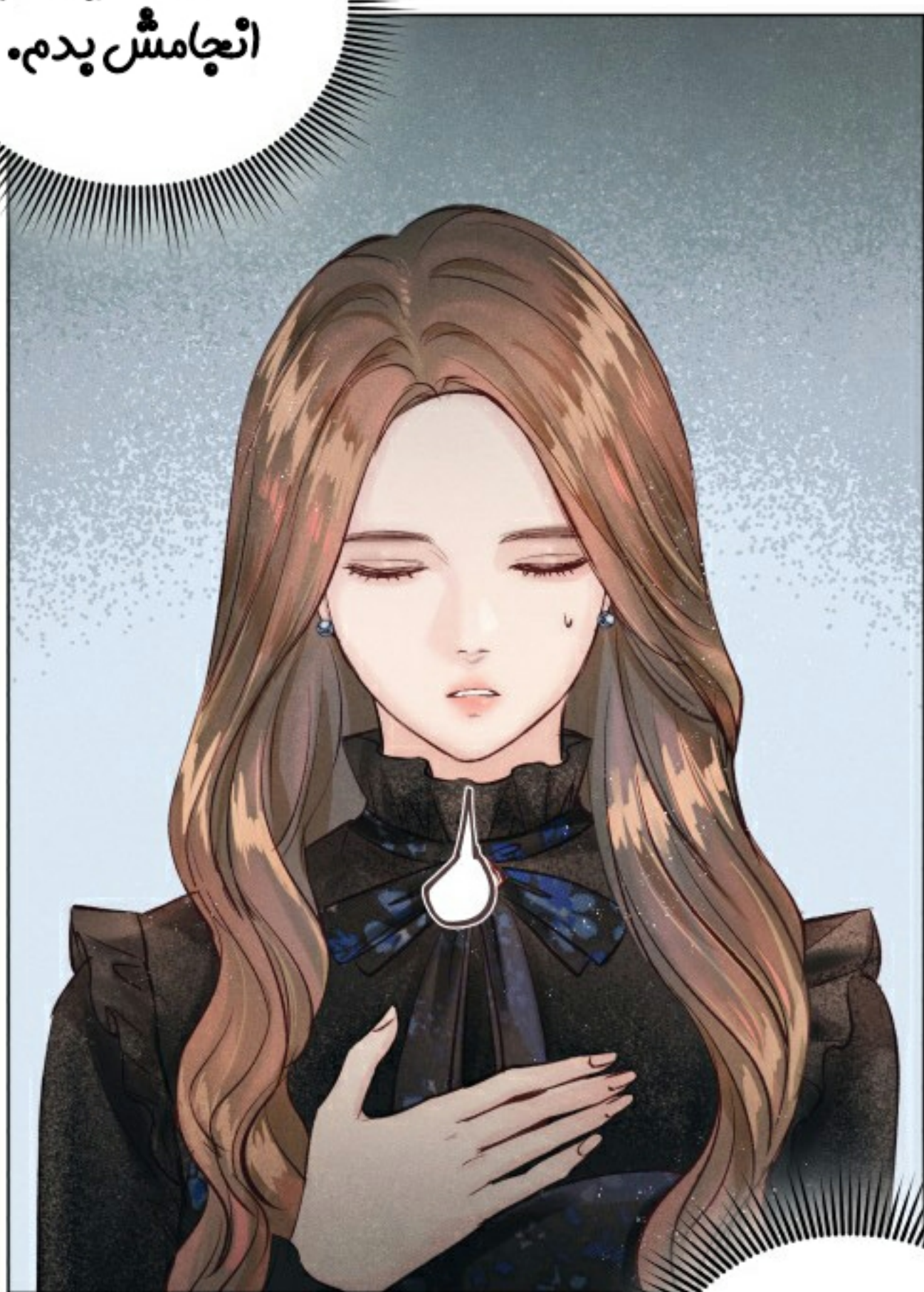
کاری از دستم پر
میاد که بتونم جلوی
توهین هاش رو بگیرم؟

در گذشته حتی سعی
نمیکردم جلوشو بگیرم.



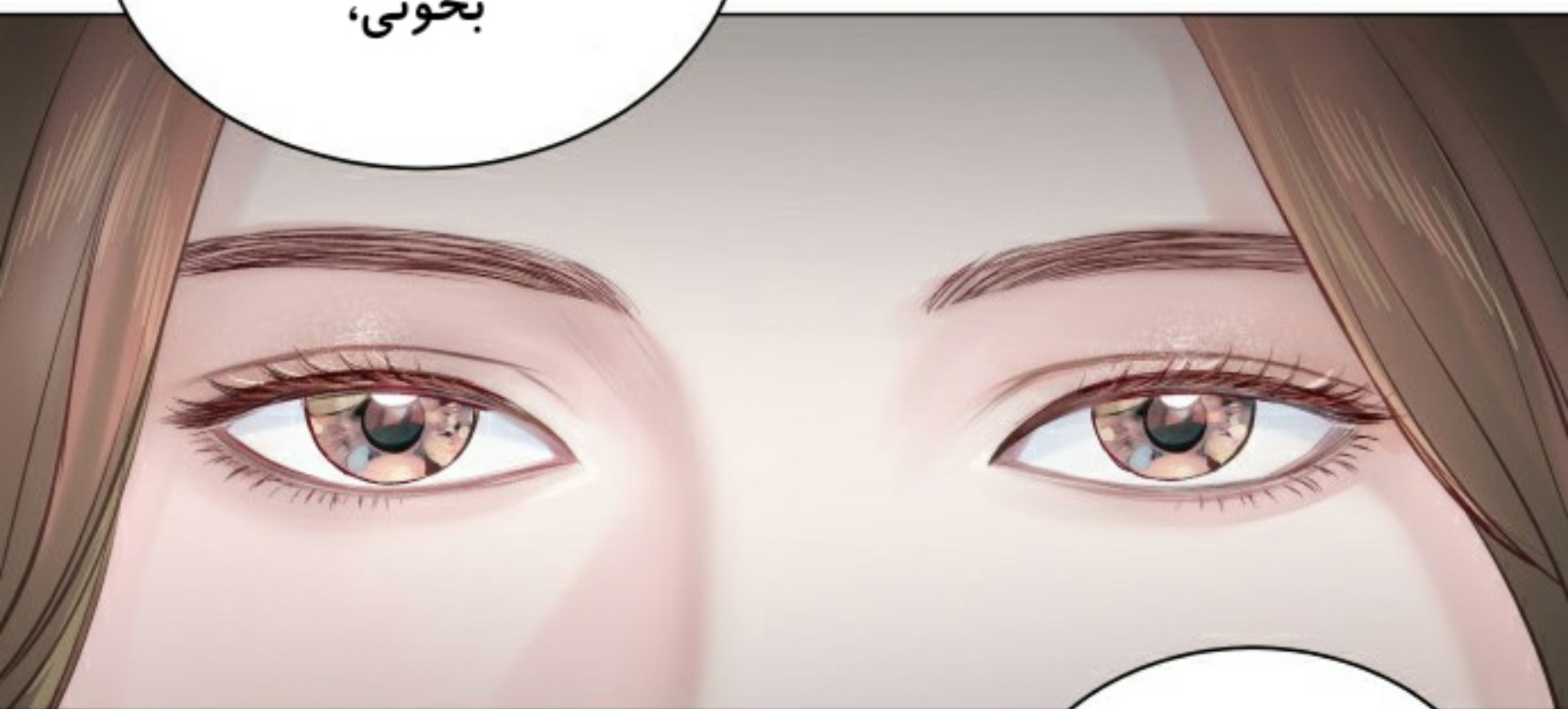
پیار دیگه سعی میکنم
گذشته رو عوض کنم.

هووف... ميتونم
انجامش بدم.



من ميتونم.

البته همیشه هر چی
دوست داشته باشی میتونی
بخونی،



ولی واسه بچه دار
شدن زیاد وقت
نداری.



بالاخره ازدواج تو
سنین جوونی یه هدفی
داره.

ببخشید.



فکر میکنم حرف
هاتون خیلی تحقیر
آمیزه.



چه غلطی کردم؟ چرا روی حرفش حرف
زدم؟ زنه عین یه ببر زخمی می‌ونه!



حالا چی
جوابشو
بدم؟

الان چی
میخواد
بهم بگه؟!!

چه
گمی
بخورم
الان؟
؟؟

درسته حالا دلم
خنک شد ولی
چجوری میخوام
مسئولیت
حرفه‌وپه عهده
بگیرم؟

وای ننه!
عین موش
آبکشیده
دارم
هیلرزم!

لی
نون
وو،
دیوونه
شدی؟

میشه دوباره به
عقب برگشت؟!!

ا.د: این به تیکرو اینجوری نبینین
حداقل دوسه بار بخونیش خستگیم درشه==)

...چی گفتی؟



رشته من صرفا
بیل زنی نیست.



کار من حفاری،
درک و تجزیه و تحلیل
نمادهای تاریخیه.

آره خوب. میتونی
کلمات قلمبه سلمبه بکار
ببری ولی تو واقعیت که اینقدر
لاکچری نیست.



حالا انگار درست مرز
های تاریخ رو عوض میکنه.
رسمًا بدردنخوره.



فکر شو می‌کردم
به این راحتی کوتاه نیاد.

ممکنه نخواد منو
آدم حساب کنه





ولی من مچپورش میکنم
که بکنه.



یبار تو خونتون یه
گلدون باستانی سبز بیدی
دیده بودم.

گفته بودین از دوره
گوریوئه

바르사!



اما واقعیتش تقلبیه و
ساخت چینه. میدونستید؟

تقلبی؟!

하하



하하

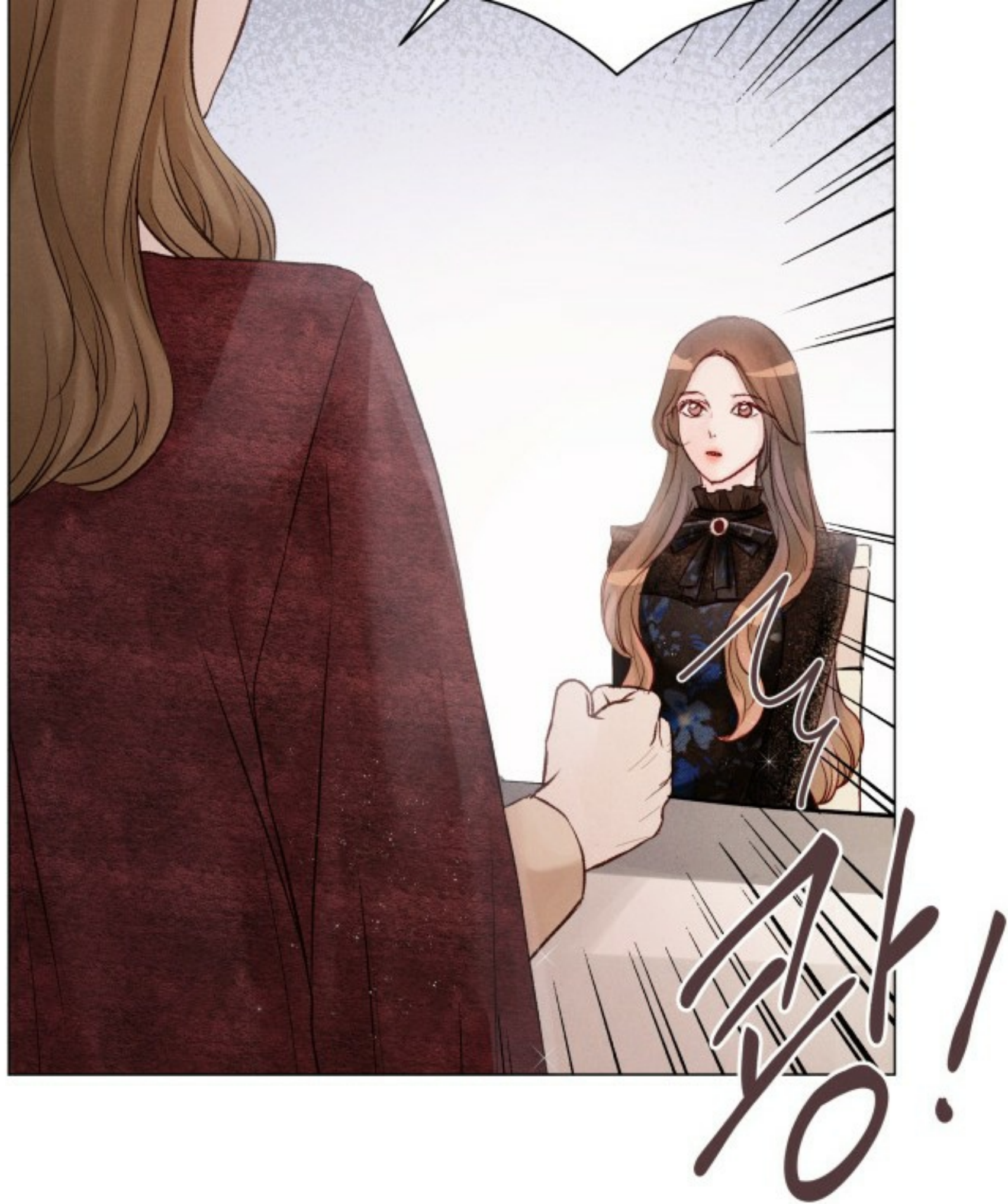
하하



바작

منظورت
چیه؟

هی، من اونو به قیمت
دویست میلیون وون از چین
خریدم!





خ خاله...

شما خیلی راحت میتونید
با چک کردن نقش برجسته ای
که ته گلدونتون حک شده
متوجه این قضیه بشین.

*این اثر برجسته رو قدیما روی اثرهای
کپی شون میزدن که با اصلیه اشتباه گرفته نشه.*

بطور خلاصه براتون
بگم

تاریخ هنر باستان شناسی،
شناخت ارزش چنین
آثار باستانی.





اگه تاریخچه یک اثر
باستانی رو ندونی

اون اثر چه میخواد یه
گلدون سبز یا کاسه سفید چینی
باشه، بی ارزش میشه.

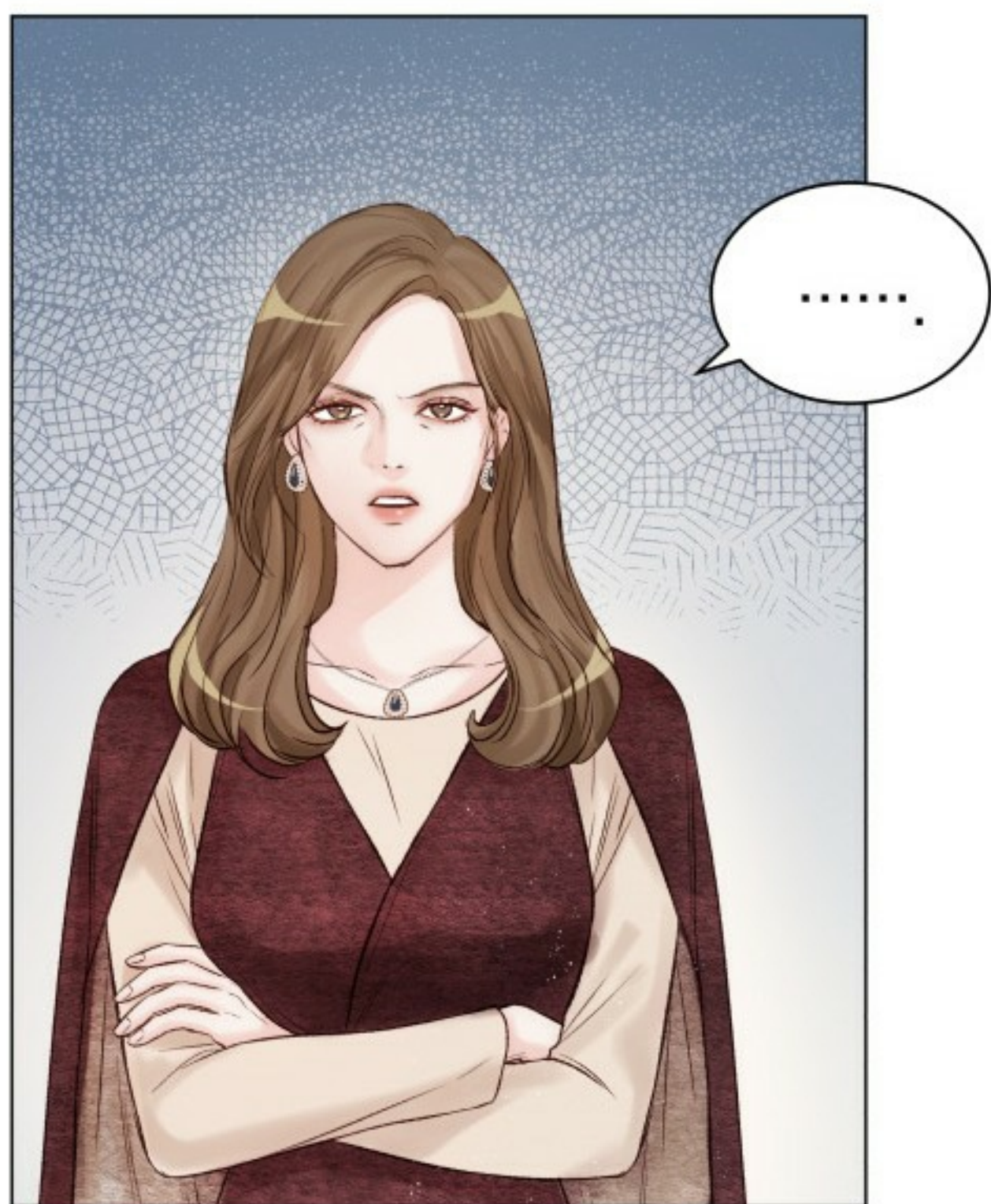
اگه بقیه آثار باستانیتون رو
هم بیارین دفترم میتونم اصالتشون

رو چک کنم.



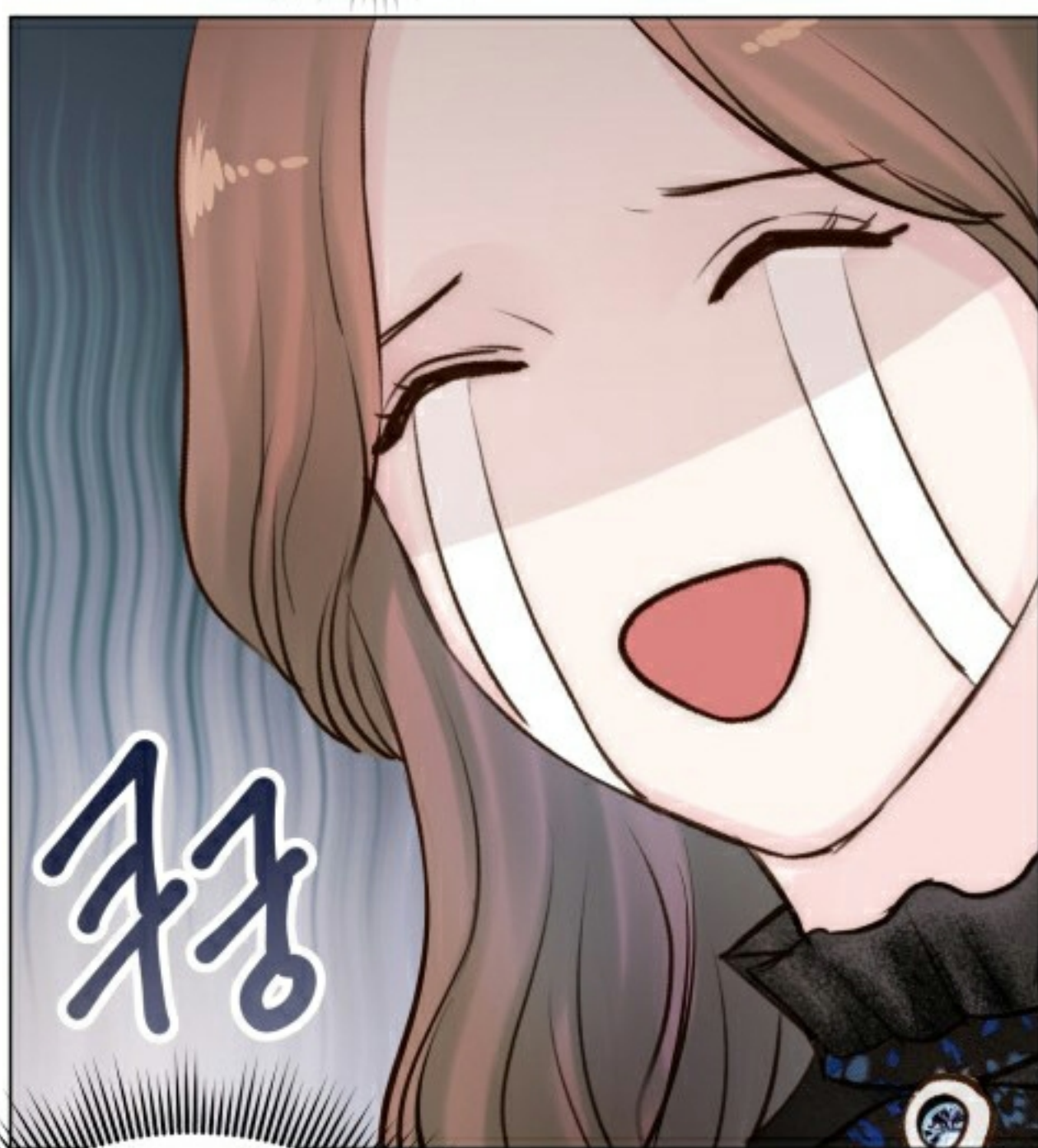
سعی میکنم وقتمو براتون
باز کنم پس لطفاً قبلش باهام
هماهنگ کنین.



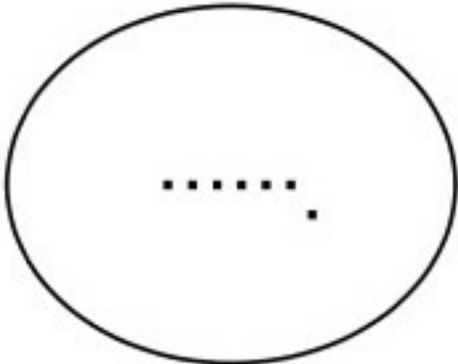


من...

سرش داد زدم!

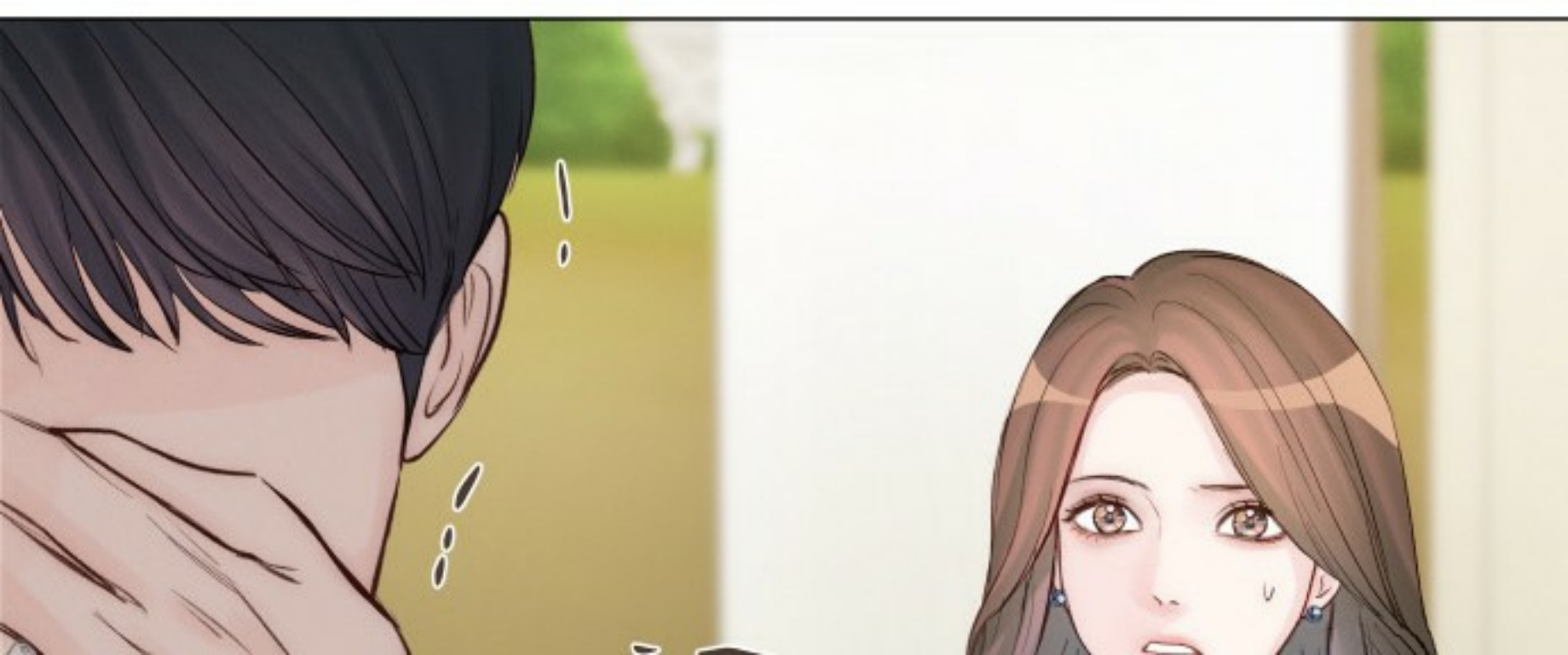


زیادی چشم سفید
بازی در نیوردم؟





پفف.





کانگ سون چه،
داره میخنده...؟

نکنه داره...



به ریش من
میخنده؟!

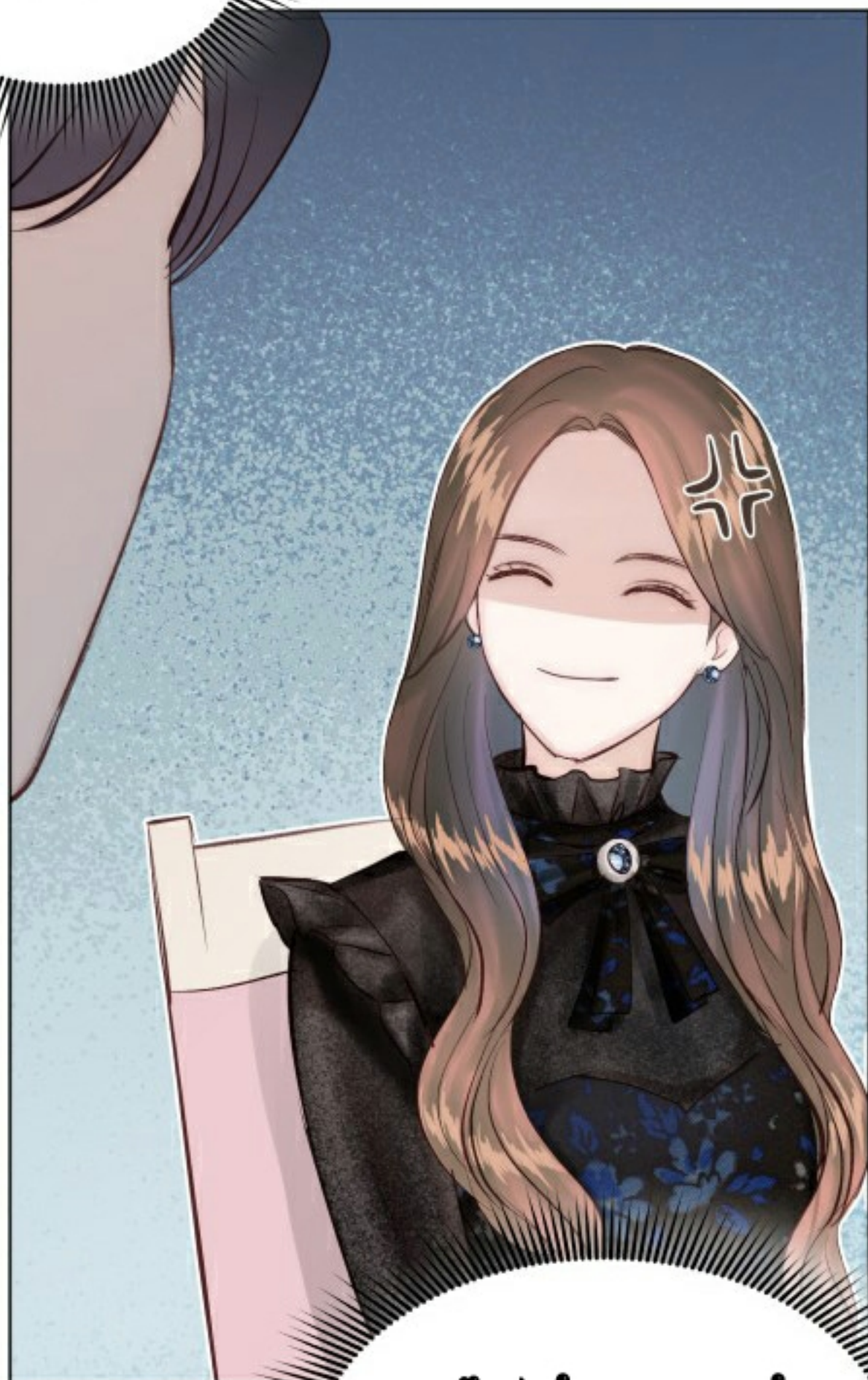
پفف



خوب چرا زودتر

نگفتی؟

خودت چی فکر
میکنی؟



خیر سرم میخوامستم
برای جنابعالی آپروداری
کنم!

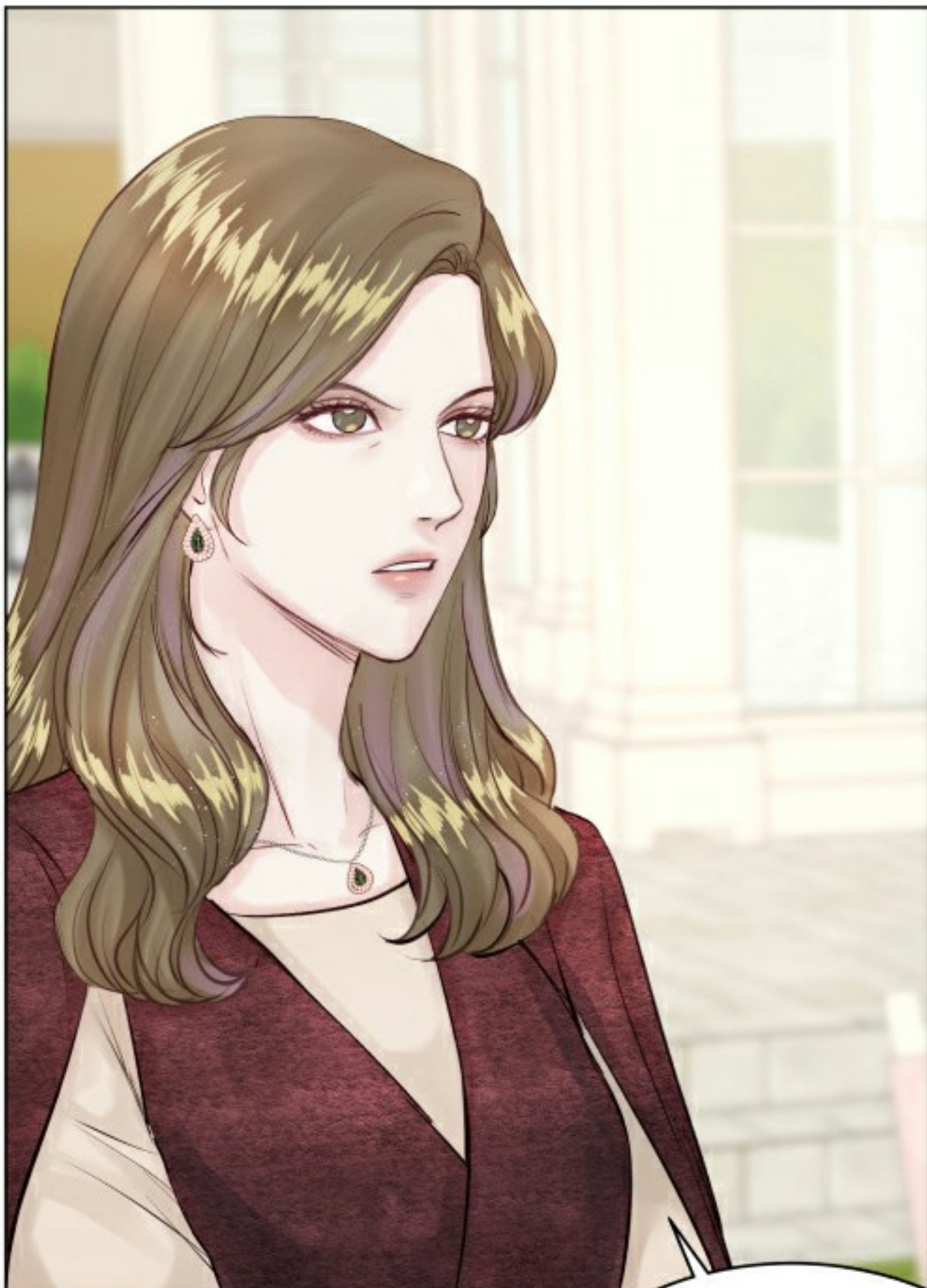
بخاطر اینکه دیر شده بود
و قابل پس دادن نبود.



راستش من خودم جدا
رفتم فروشنده اش رو

چک کردم.

مثل اینکه گلدونه
ثبت نشده بود.



پس چرا الان بحثشو
وسط کشیدی؟

چونکه نگران بودم.

نگران بودم

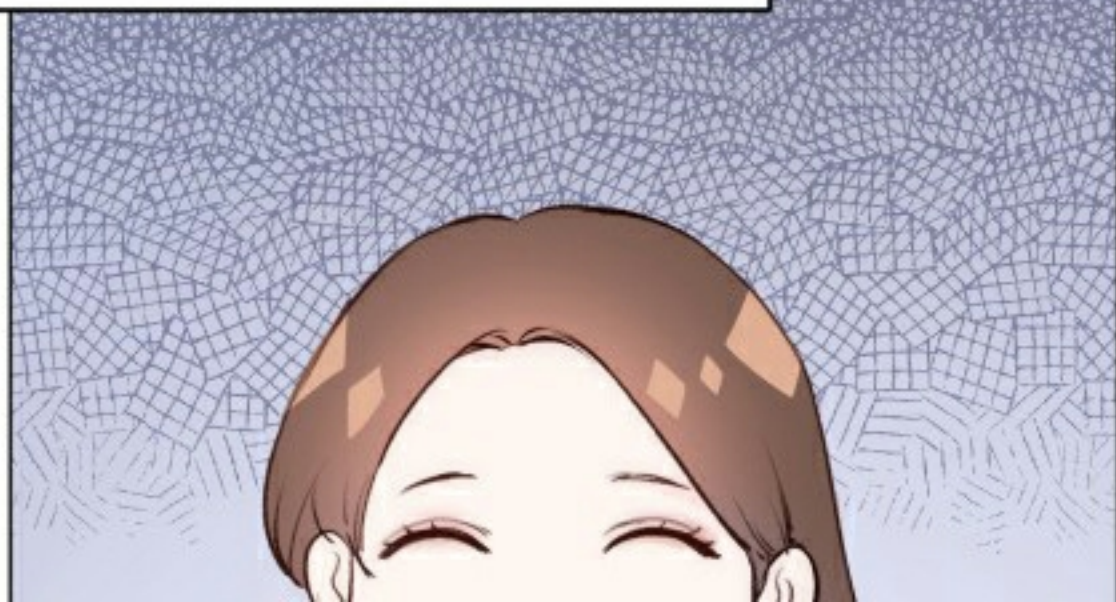


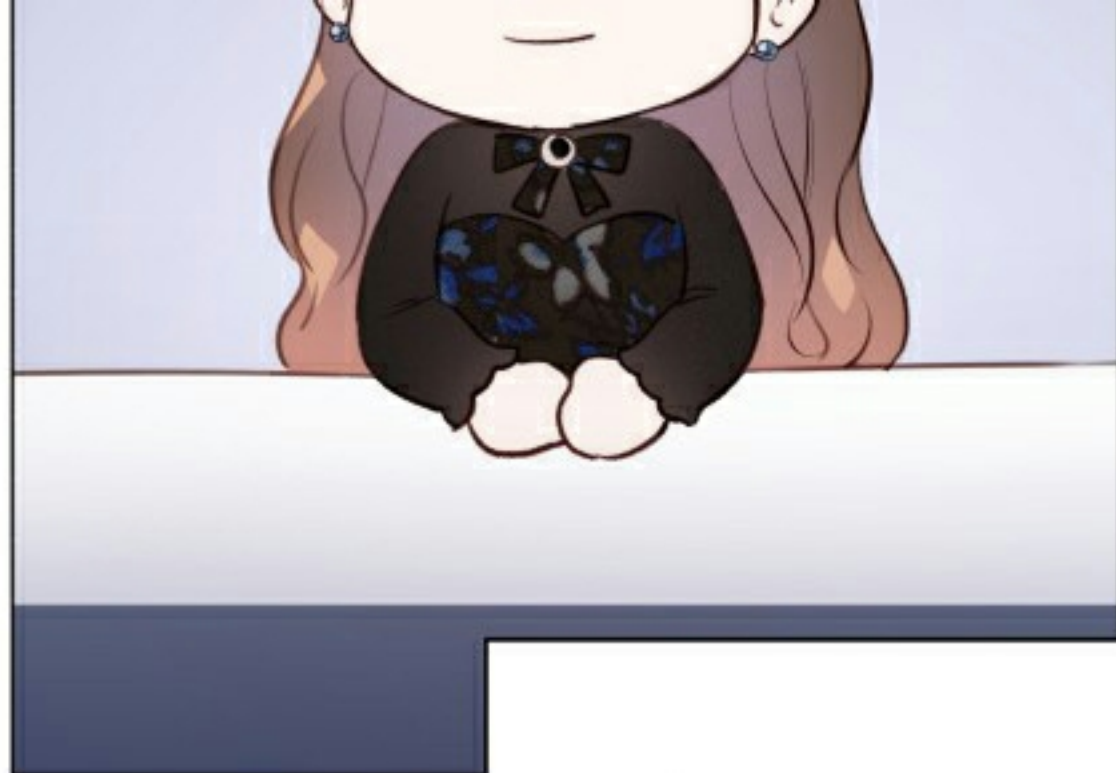


برای همینم همونجور که
شما درباره خانواده ما
نگرانیتونو اعلام کردین

منم نگرانیم رو
اعلام کردم.

میپینی؟ من ساکت نبودم
چون چیزی برای گفتن نداشتم.





ساکت بودم چون ادب حکم
میکرد!

هرچند امروز که بشدت
به تیپ و تارادب زدم رفتم...



피쉬

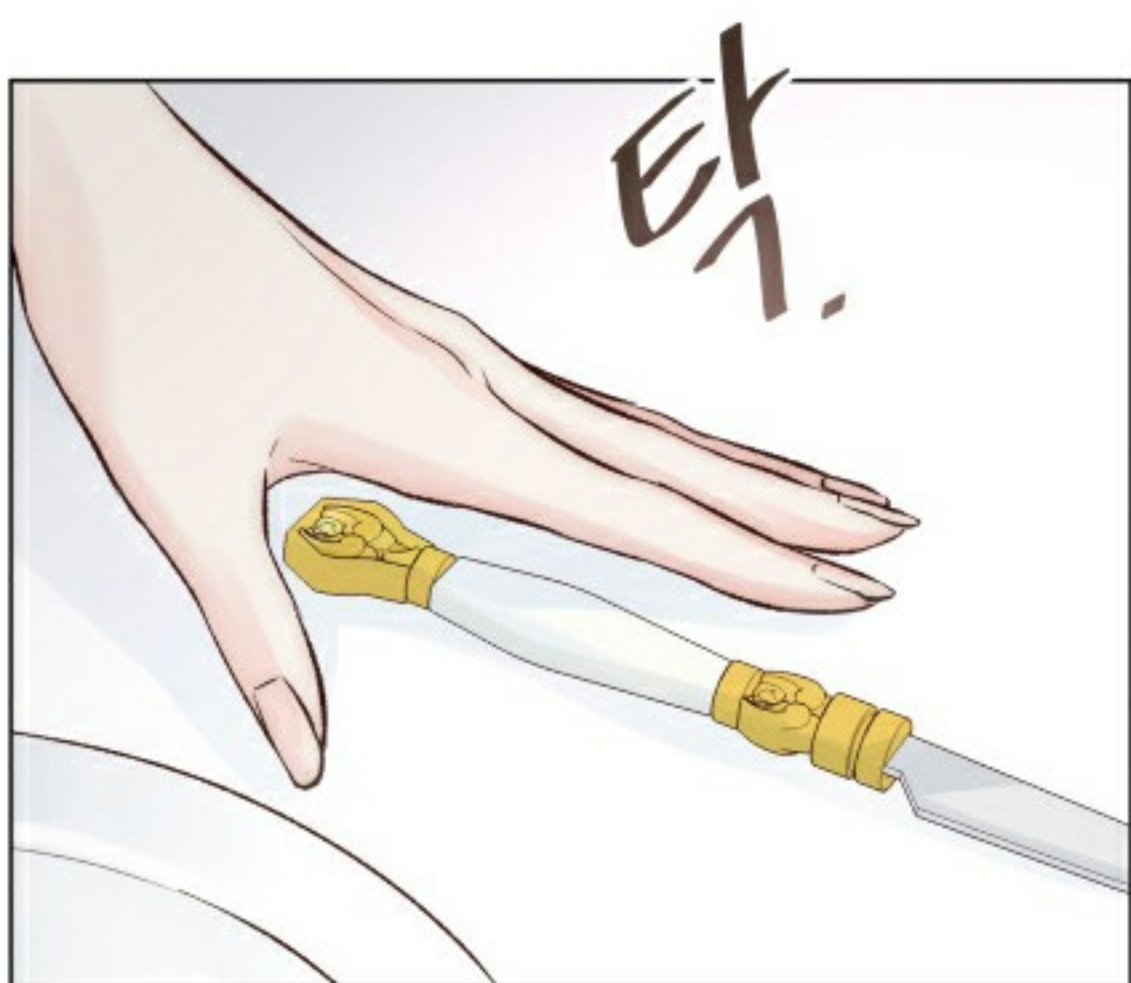
خاله





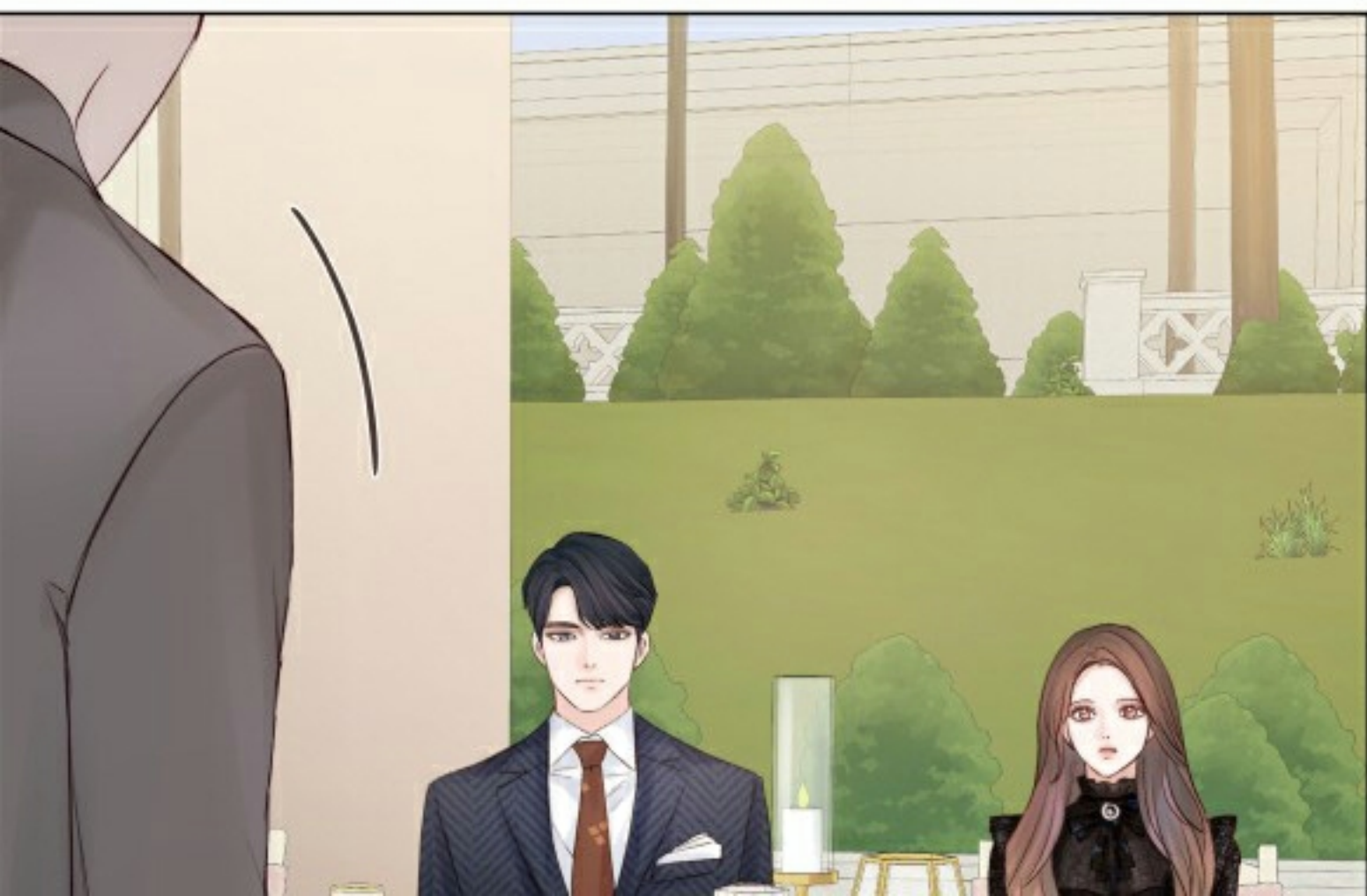
ما خودمون هر وقت
آماده شدیم به بچه فکر
میکنیم.

لازم نیست شما
نگران ما باشید.



من میرم
دستشویی.

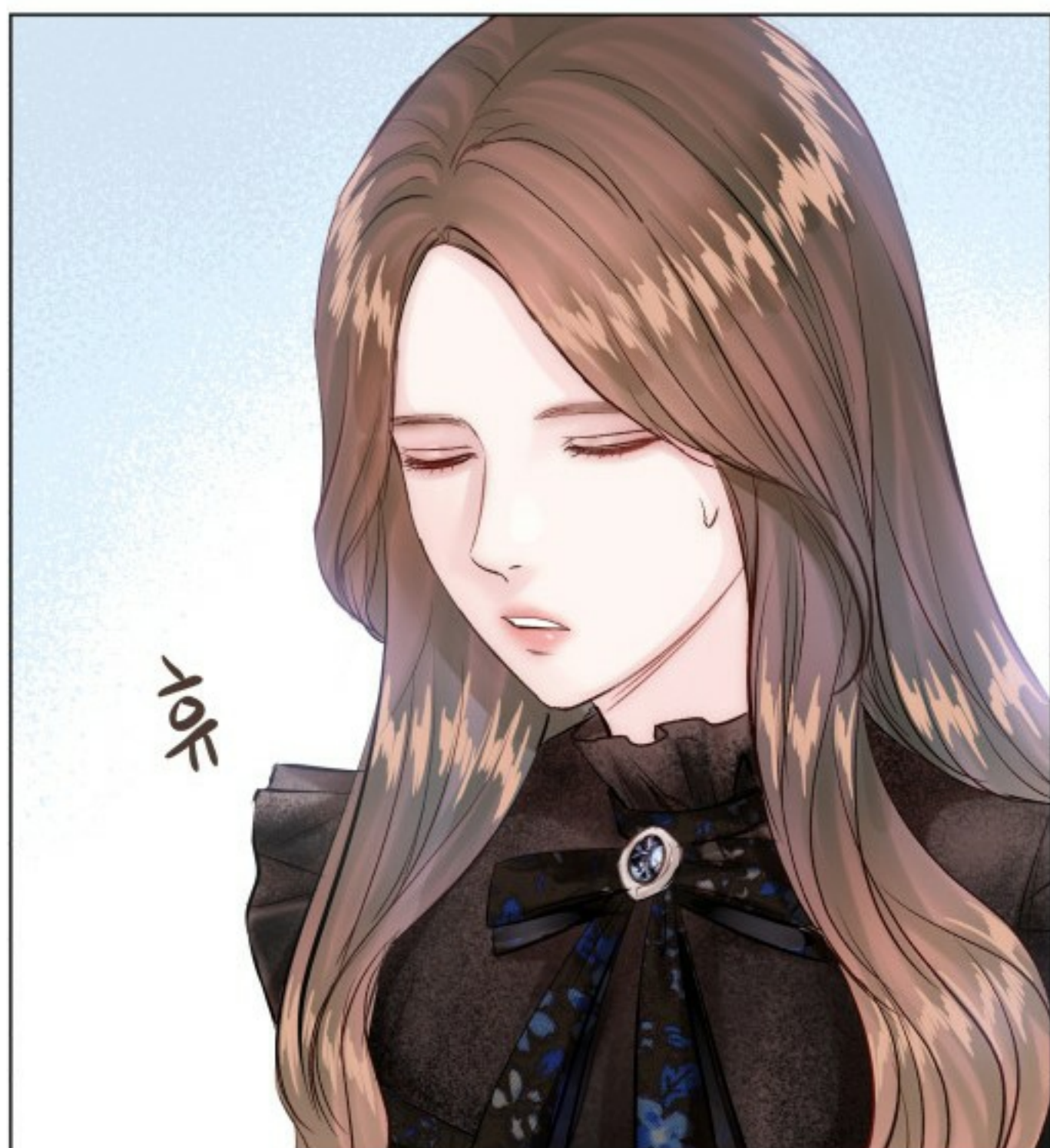






بهتره برم يه سلام و
عليكي هم با آشناها بكنم.
شما دو تا خوش باشين...





ایول به من با این ایهتم!

با این به نفس راحتی
کشیدم ها ولی کم کم شوکش
داره بهم وارد میشه.



قطعا بعدا کلی درمورد
امروز پشتمون غیبت
میکنن.



چیکارش کنم؟

از الان به بعد فامیلی
که ما رو زیر رادار گرفته بودن،
بیشتر سرزنشمون میکنن.

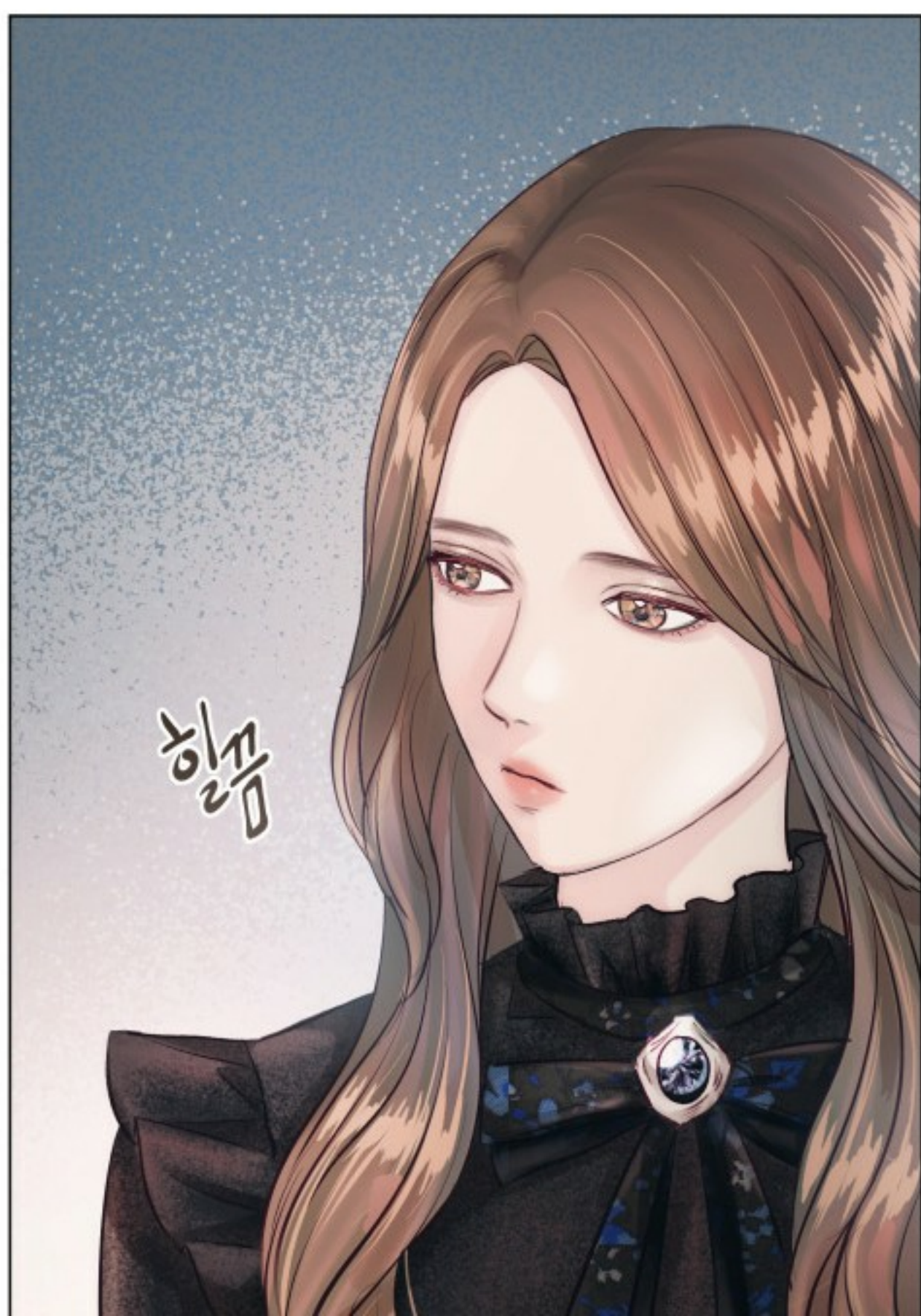




و حتی ممکنه این داستان
به سونبه هم ضرر پرسونه.

مهم تر از همه...







نکنه سونپه الان از من
بدش اومده باشه...؟

آفرین.





از الان به بعد باید
همینجوری جوابشونو
بدی.

چجوری؟





یعنی باید تو روی
خاله ها و عمه هام بایستی.





لازم نیست از
چیزی بترسی.



멍...



اشتباه شنیدم؟



نمیتونی یکم با اونا
محکم تر برخورد کنی؟

حرفاش با گذشته فرق میکنه.

ممکنه که همونچور
که من تغییر کردم...





...اونم تغییر کرده باشه؟

...اگه اینطوره...





من میروم بدرج هم چیرقصیردم

10/

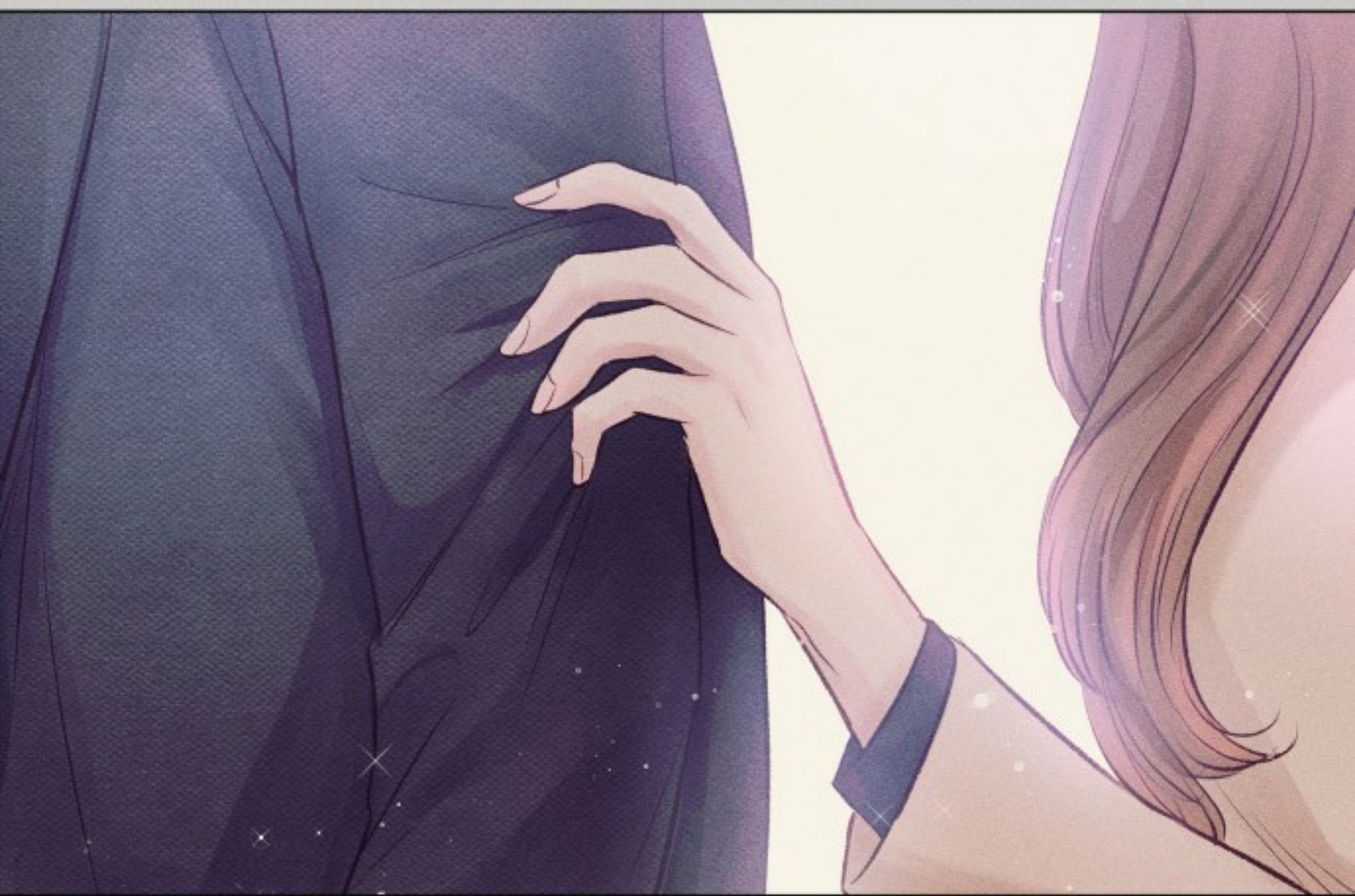


%





부영-





حتیٰ میرگی کہ در آئندہ توئی.



원고 도움 수리 또바기
승연 아노마
은지
제작 **COPIN**



A man with dark hair and a black cardigan over a light-colored shirt stands behind a woman with long brown hair. The woman is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. They are both looking down at a table. The man is holding a glass of water, and the woman is holding a dark blue mug. A speech bubble is positioned to the right of the woman.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره